

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر

چکیده

جهت تبیین جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر، محدوده و شرایط جغرافیایی کردستان موکری براساس منابع بازسازی و دیدگاه‌ها در مورد وجه تسمیه موکریان بیان شده است. براساس منابع و مآخذ، موقعیت، جایگاه و وسعت موکریان بررسی شده و برای درک بهتر، جایگاه آن بر روی نقشه‌های کنونی مشخص شده است. در مقوله جغرافیای طبیعی، به خصوصیات کلی ناهمواری‌ها و آب‌ها در طول دوره مطالعه در غالب منابع اشاره و برای مقایسه، ویژگی‌های جغرافیای طبیعی کنونی منطقه نیز بررسی شده است. در مبحث جغرافیای انسانی نیز در دوره مورد مطالعه به اختصار برخی خصوصیات جغرافیای انسانی منطقه مطالعه شده است. در تحلیل مباحث، علاوه بر موقعیت جغرافیایی، بسط و قبض سرزمین موکریان در دوره حاکمیت‌های مختلف در چهار سده اخیر نیز مطالعه شده است. نتایج حاکی از تغییرات وسعت و حیطة جغرافیایی و بسط و قبض سرزمین موکریان در ارتباط با قدرتمندی و فروپاشی حاکمیت‌هاست.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، موکریان، کردستان موکری، بسط سرزمینی

۱- مقدمه:

جغرافیا آن‌کسب از دانش بشری است که از مشخصات مناطق و نواحی مختلف زمین و پراکندگی پدیده‌های گوناگون طبیعی و انسانی سطح آن بحث می‌کند و روابط انسان و محیط و پدیده‌های مذکور را مطالعه می‌کند.

بخشی از علم جغرافیا، به جغرافیای تاریخی اختصاص دارد، ولی در تعیین حدود قلمرو آن هیچ گونه توافقی بین جغرافیدانان صورت نگرفته است. از دیدگاه برخی جغرافیدانان، در جغرافیای تاریخی ساختمان و اسکلت محیط‌های جغرافیایی در دوره‌های تاریخی تجدید بنا می‌گردد و تکامل کشورها و نقش‌یابی آنها در دوره‌های تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد (شکویی الف، ۱۳۶۴، ۳۶).

تعاریف مختلفی از جغرافیای تاریخی ارائه شده است. برخی آن را شاخه‌ای از جغرافیای انسانی و بعضی آن را شعبه‌ای از جغرافیای طبیعی می‌دانند. برخی عقیده دارند که جغرافیای تاریخی رشته‌ جداگانه‌ای است که هم از اوضاع طبیعی و هم از اوضاع اقتصادی، انسانی و سیاسی در طول دوره‌ای از تاریخ بحث می‌کند، لذا فهم و شناخت بسیاری از اسامی مکان‌هایی که در کتاب‌های جغرافیا به چشم می‌خورد، فقط از طریق مطالعه جغرافیای تاریخی امکان پذیر است (نهچیری، ۱۳۷۰، ۹).

جغرافیای تاریخی را باید به معنای مطالعه و بررسی جغرافیایی یک منطقه در دوران‌های گذشته دانست و اینجاست که تفاوت عمده بین جغرافیای زمان حال - که بر مبنای روابط مکانی استوار است - با جغرافیای تاریخی - که در آن عامل زمان نقش مهمی دارد - روشن می‌شود.

در این شاخه جغرافیا با شیوه‌ای علمی به تشریح و تبیین پدیده‌های مکانی در ارتباط با تحول آنها در طول زمان پرداخته می‌شود. تحولات در یک ناحیه یا یک پدیده جغرافیایی، بیانگر تغییر آن در طول زمان است. تحولات شاید در مدت زمان کوتاهی صورت گرفته و یا حاصل گذشت چندین قرن باشند (شکویی، ۱۳۷۸، ۹۹).

با پذیرش این دیدگاه، جغرافیای تاریخی راهنمایی است برای اشخاصی که در هنگام مسافرت و سیاحت می‌خواهند در ضمن سفر روزگار گذشته، سرزمین مورد بازدید را در نظر مجسم کنند.

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۳۱

با توجه به این که در مطالعات جغرافیای تاریخی، روابط مکانی انسان در قلب مقاطع زمانی، بررسی می‌شود، لذا بررسی‌های جغرافیای تاریخی، چگونگی مسایل جغرافیایی امروز بشر را روشن می‌سازند (بیگ محمدی، ۱۳۷۸، ۱۵).

از جمع دیدگاه‌های جغرافیدانان و مورخان می‌توان جغرافیای تاریخی را به شرح زیر تعریف کرد: جغرافیای تاریخی، شرح تغییرات عوامل جغرافیایی در طول زمان است که در آن، تأثیر گذشت زمان و مداخله بشر در طبیعت و تأثیر محیط‌های جغرافیایی در پدیده‌های تاریخی بررسی می‌شود (خیراندیش و دیگران، ۱۳۷۸، ۳۲). پس جغرافیای تاریخی بررسی بیوگرافی شهرها یا مناطق و نواحی جغرافیایی است که به ما یاری می‌دهد تا شهرها، مناطق و نواحی جغرافیایی را در گذر زمان بهتر بشناسیم.

خلاصه اینکه در جغرافیای تاریخی مطالب جغرافیا را تا عصر حاضر باید بررسی کرد و با آغاز بحث جغرافیا در زمان فعلی بحث جغرافیای تاریخی خاتمه می‌یابد (نهچیری، ۱۳۷۰، ۸-۹). از این روست که مؤسسه جغرافیدانان انگلیس در اوایل سال ۱۹۸۴ در معرفی رشته‌های تخصصی و کاربردی جغرافیا دوازدهمین رشته را که دارای جغرافیای کاربردی مخصوص خود است، جغرافیای تاریخی می‌داند (شکویی ب، ۱۳۶۴، ۴۴-۴۵).

۲- وجه تسمیه موکریان:

در بررسی جغرافیای تاریخی مکان یا شهری فرضی، این که آن مکان یا شهر چه نام‌هایی داشته، وجه تسمیه نام‌ها، مرکزیت بودن آن، میزان جمعیت، محصولات کشاورزی، صنایع، معادن، آب و هوا و... چگونه بوده‌اند، بسیار اهمیت دارد (نهچیری، ۱۳۷۰، ۸-۹).

اگر بپذیریم که در جغرافیای تاریخی، ساختمان و اسکلت محیط‌های جغرافیایی در دوره‌های تاریخی تجدید بنا می‌گردد، در این راستا در مورد جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ابتدا اشاره به وجه تسمیه ضروری به نظر می‌رسد.

البته، تنها با یک تحقیق نمی‌توان تعیین کرد که اسامی قدیم جغرافیایی ناحیه موکریان در چه تاریخی از بین رفته‌اند و اسامی جدید در چه روزگاری به میان آمده‌اند. وجود تعداد زیادی اسامی جغرافیایی مغولی در منطقه جلگه‌ای شرق و شمال شرق موکریان به حاکمیت مغول‌ها در آن دوره در این منطقه اشاره دارد، در حالی که در منطقه کوهستانی غرب موکریان بندرت اسامی جغرافیایی مغولی به چشم می‌خورد (صمدی، ۱۳۶۳، ۱۵) و قدمت واژه‌های اماکن جغرافیایی، بسیار بیشتر است. بر این اساس، محققانی چون مینورسکی (۱۹۵۷) به تهیه مقاله «مکان‌های جغرافیایی مغولی در کردستان موکریان» پرداخته‌اند. مشکل دیگر روشن نبودن خصوصیات جغرافیای تاریخی منطقه مورد مطالعه در برخی ادوار است.

نام منطقه جغرافیایی مورد مطالعه به پنج شیوه در منابع درج شده است که عبارتند از: کردستان موکری (خزنی، ۱۹۳۸- تابانی، ۱۳۵۸)، کردستان مَکری (نیکیتین، ۱۳۶۶)، کردستان موکریان (خزری، ۱۳۷۹)، مَکریان (افخمی، ۱۳۷۳) و موکریان کردستان (چوکالی، ۲۰۰۷)^۱

در اسناد قدیمی نام مَکری تحت عنوان منطقه، زبان و عشیره آمده است (بدلیسی، ۱۳۶۴). همچنین در دو سده پیش نیز نام مَکری در منابع برای عبارات فوق به کار رفته است (مینورسکی، ۱۹۸۳). همچنین در زمان اخیر کردستان موکری موضوع رساله‌های دانشگاهی بوده است (خزری، ب ۱۳۷۹).

با این اوصاف، در خصوص وجه تسمیه واژه «موکریان= مَکریان» و «موکری= مَکری» و ریشه آن، جمع بندی نظرات متفاوت ارائه شده است:

الف) برخی از محققان چون بدلیسی (۱۳۶۴) نام مَکری را به سیف‌الدین مَکری نسبت می‌دهند: «نسبت حُکام مَکری به قبیله مکریه که در نواحی شهرزول (شاه‌زور) توطن دارند، می‌رسد... سیف‌الدین مَکری به متانت رأی و فطانت ذهن مشهور» (بدلیسی، ۱۳۶۴، ۳۷۲).

1 - Chookali

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۳۳

ب) برخی محققان دیگر واژه موکریان را به «مهاکاریان» نسبت می دهند که گویا یکی از قبایل ماد بوده اند (حزنی، ۱۳۸۲، ۲۰).

ج) عده ای عقیده دارند همان گونه که نام ایل «مکریت» ترکمنی ذکر شده، ممکن است که نام مکرری از کلمه مکریت گرفته شده باشد (روژیانی، ۱۳۸۱، ۲۹).

د) روژیانی (۱۳۸۲) عقیده دارد که واژه «موکری» در اصل «مُغری» یا «مُغ راه» بوده و موکریان نیز «مُغ ریان = راه مُغان = راه مُغ ها» بوده، سپس به مُقریان و موکریان تغییر یافته است. شاهان ایرانی، حتی ساسانی ها وقتی به تاج و تخت می رسیدند، می بایست از تیسفون پیاده به «شیز = تخت سلیمان کنونی» بروند تا در برابر آتش مقدس کُرنش کنند. از این رو، چون دشت موکریان بر سر راه مُغان بود، نام «مُغ ریان» بر آن نهاده شد و سرانجام به موکریان تبدیل شد (روژیانی، ۱۳۸۲، ۳۰). البته، برخورد عقاید در زمینه نام، محدوده و حیطة جغرافیایی موکریان در محافل رسانه ای نیز منعکس شده است (خضری ج، ۱۳۷۹).

۳- پیشینه و منابع جغرافیایی:

شایان ذکر است که بسیاری از موارد جغرافیایی موکریان مورد تحقیق واقع نشده است و نمی توان به تمام مقاصد جغرافیای تاریخی نایل آمد. تقریباً تمام تألیفاتی که راجع به جغرافیای تاریخی ایران نگارش یافته منتهی به آن است که تعریف ها و گفته های سیاحان اخیر را با اطلاعات مبسوطی که جغرافیا نویسان مسلمان راجع به اوضاع مملکت در قرن دهم بر جا گذاشته اند، مقایسه می کنند. اطلاعات ما راجع به نیمه دوم قرون وسطی اندک است. فقط کتاب حمدالله قزوینی است که تا اندازه ای این نقیصه را جبران می کند (بارتولد، ۱۳۵۸، ۵). لذا برای تعیین جایگاه، وسعت و گسترش و قبض سرزمین موکریان به بررسی طیف وسیعتر منابع، نسبت به مقالات دیگر (ارائه شده در زمینه جغرافیای تاریخی مناطق دیگر ایران) می پردازیم.

تذکره جغرافیای تاریخی ایران و. بارتولد از دیدگاه مترجم کتاب، جامعترین کتابی است که درباره جغرافیای تاریخی ایران نگاشته شده است (بارتولد، ۱۳۵۸، ۴). بر اساس نظر نویسنده کتاب فوق، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، تذکره مختصری است در جغرافیای ایران و نسبتاً شرح مفصل‌تر نقاطی است که در ادوار مختلف، مرکز حیات تاریخی ایران واقع شده‌اند و آنها را مشخص کننده درجه ارتباط حیات تاریخی با اوضاع جغرافیایی ایران دانسته‌اند (بارتولد، ۱۳۵۸) که در آن در زمینه موکریان اطلاعات ناحیه‌ای ارزشمندی وجود ندارد.

در جغرافیای تاریخی ایران، گاه به صورت مطالعه موردی شهرنشینی و شهرسازی در ایران و روند شهرها و شهرنشینی در طول دوره‌های تاریخی بررسی شده است که از دیدگاه جغرافیای تاریخی در این زمینه نگرش علمی ایجاد می‌کنند (رهنمایی، ۱۳۷۱).

گاهی در مطالعات جغرافیای تاریخی عشایر ایران در کانون توجه بوده‌اند. برای مثال، صفی نژاد (۱۳۶۷) به بررسی جمعیت عشایری ایران از سال ۱۱۲۸ تا ۱۲۲۰ هجری قمری در ایران پرداخته است و عشایر موکریان نیز در حیطه آن بررسی شده‌اند. وقایع نگار کردستانی (۱۳۶۴) نیز به عشایر و جمعیت آنها در کردستان اشاراتی نموده است.

مطالعه موردی جغرافیای تاریخی شهرها در ایران انگشت شمارند. رضوانی (۱۳۸۵) در بررسی و مطالعه موردی جغرافیای تاریخی ساوه بیشتر به اماکن جغرافیایی شهر مذکور در گذر زمان اشاره دارد و در مطالعه موردی جغرافیای تاریخی مناطق و نواحی جغرافیایی نیز می‌توان به مقاله «مروری بر جغرافیای تاریخی گیلان در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰» اشاره کرد، که نویسندگان در نگارش آن به سفرنامه‌ها (به عنوان یکی از مهمترین منابع پژوهش در جغرافیای تاریخی) تکیه کرده‌اند و محورهای بحث آن شامل: موقعیت جغرافیایی، اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گیلان است (میرمیران و کهنسال، ۱۳۸۵، ۱۹۷). نویسندگان فوق در ضمن بررسی جغرافیای تاریخی به بیان وجه تسمیه، موقعیت جغرافیایی اماکن و تقسیم بندی ولایات نیز پرداخته‌اند.

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۳۵

از جمله مهمترین جغرافیدانان و مستشرقانی که در دو سده پیش به موکریان آمده و منابع مطالعاتی نیز در این زمینه تدوین کرده‌اند، عبارتند از:

- ۱- سر کینر (۱۸۱۳)، مسافرت به کردستان؛ ۲- ج. س. بوکینگ هام (۱۸۱۶)، مسافرت در آسور و غیره؛ ۳- ریچ (۱۸۲۰)، شرح اقامت در کردستان؛ ۴- هون. ژ. کپیل (۱۸۳۶-۱۸۳۱)، سه سال اقامت در ایران؛ ۵- کاپیتان، ر. میگنان، مسافرت زمستانه از روسیه تا کردستان؛ ۶- ج. ب. فرزر (۱۸۳۴)، مسافرت به کردستان؛ ۷- ج. ف. جونس (۱۸۴۴)، شرح سفر در بخشی از کردستان؛ ۸- م. واگنر، مسافرت در کردستان؛ ۹- شرفخان بدلیسی (۶۲ - ۱۸۶۰)، تاریخ کردستان؛ ۱۰- د. و. مارس (۱۸۶۴)، تنسی‌ها در کردستان؛ ۱۱- ج. س. کو آن (۱۸۷۹)، تحت الحمایه جدید ما، ترکیه آسیا؛ ۱۲- کلنل ر. ا. کار (۱۸۷۹)، رشته جبال کردستان؛ ۱۳- ج. کریگ (۱۸۸۰)، ترک‌ها، گُردها، ارامنه؛ ۱۴- اچ. بیندر (۱۸۸۶)، در کردستان؛ ۱۵- بیشوپ (۱۸۹۰)، مسافرت در ایران و کردستان؛ ۱۶- ژاک دمورگان (۱۸۹۰)، جغرافیای غرب ایران و

جغرافیای غرب ایران (دمورگان، ۱۳۳۹) یکی از معتبرترین منابع جغرافیایی در زمینه کردستان موکری است. ۴۸ صفحه از جلد دوم کتاب مذکور تحت عنوان کردستان موکری، به بررسی جغرافیای موکریان پرداخته است.

دمورگان می‌نویسد: از ۴۰ سال پیش (یعنی از ۱۸۵۰) تاکنون (۱۸۹۰) هیچ اروپایی به سردشت در موکریان نیامده است (دمورگان، ۱۳۳۹).

مقاله مینورسکی (به عنوان برجسته‌ترین گردش‌شناس) تحت عنوان ساوجبلاغ در زمینه رودخانه زاب و کردستان موکری، یکی از مهمتری منابع جغرافیایی این خطه است و از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که در دایرةالمعارف اسلامی مندرج است (نیکیتین، ۱۳۷۸، ۹۰).

منبع معتبر دیگر در زمینه جغرافیای موکریان توسط نیکیتین نگارش یافته که دیدگاهی علمی در بررسی جغرافیایی منطقه دارد (نیکیتین، ۱۳۶۶)، مباحث جغرافیایی

کتاب فوق بر مطالعات مینورسکی متکی است و از دیدگاه جغرافیایی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

کردستان موکریان یا آتروپاتین (از ابتدای تاریخ تا دوره سیف الدین موکری) قدیمیترین کتاب تاریخی- جغرافیایی به زبان کردی است که به صورت ناحیه‌ای به مطالعات موکریان پرداخته است (حوزنی، ۱۹۳۸ و خضری د، ۱۳۷۹). این کتاب در ۲۰۰۳ به فارسی برگردانده شد. بخش جغرافیای آن که اختصاصاً به کردستان موکری می‌پردازد و متکی بر منابع قبلی است، از اهمیت زیادی برخوردار است (حزنی، ۱۳۸۲).

کردستان «در نمونه کردستان موکری» کتابی اختصاصاً جغرافیایی در مورد ناحیه موکریان است (تابانی، ۱۳۵۸). بخش‌های جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی این کتاب از ارزش علمی برخوردار است، چون علاوه بر منابع پیشین به اطلاعات و داده‌های آماری زمان نگارش (۱۳۴۵ شمسی) نیز تکیه دارد.

کتاب «جغرافیای طبیعی کردستان موکریان» تنها کتاب در مورد جغرافیای طبیعی این ناحیه است که با دیدگاه علمی و سیستماتیک تدوین شده و به مباحث تخصصی ژئومورفولوژی، هیدرولوژی، آب و هواشناسی و زمین‌شناسی کردستان موکریان می‌پردازد. ثروتی در مقدمه کتاب فوق می‌نویسد: با توجه به بهره‌گیری از بیش از یکصد و چهل و پنج منبع علمی و داده‌ها و آمار به روز، این کتاب از جایگاه ویژه‌ای در مباحث جغرافیای طبیعی این خطه برخوردار است (خضری الف، ۱۳۷۹، ۱۰).

بقیه منابع در دسترس در زمینه کردستان موکری بیشتر فرعی بوده و به صورت گذرا مباحث جغرافیایی و تاریخی منطقه را بررسی کرده‌اند.

۴- جایگاه منطقه مورد مطالعه:

تاکنون اساس تقسیمات داخلی ایران را پراکندگی جمعیت و تقسیمات قبایل و گروه‌های مختلف زبانی تشکیل داده است (میر حیدر، ۱۳۵۷، ۱۰۷)، لذا تغییرات در تقسیمات سیاسی در چند سده اخیر در ایران معمول بوده، ناهمخوانی تقسیمات سیاسی

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۳۷

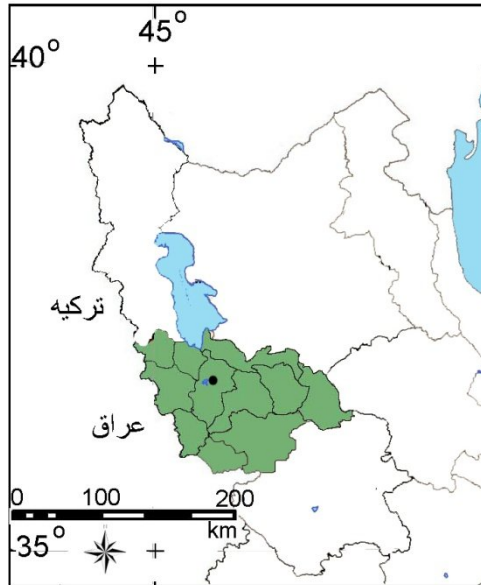
کنونی با تقسیمات گذشته، نتیجه تحول در ویژگی‌های موارد بالاست. البته، در مطالعات ناحیه‌ای در علم جغرافیا می‌توان واحدهای جغرافیایی را بدون توجه به مرزهای سیاسی، ایالتی و ساحلی کنونی انتخاب کرد و بررسی نمود (شکوهی، ۱۳۶۴، ۶۲).

نظرات در مورد محدوده کنونی و گذشته موکریان متفاوت است، لذا برای تبیین حقایق در بحث مقوله جغرافیای تاریخی موکریان (کردستان موکری) به جایگاه، بسط و قبض سرزمینی آن در چهار سده اخیر (صفویه تا انقلاب اسلامی) می‌پردازیم.

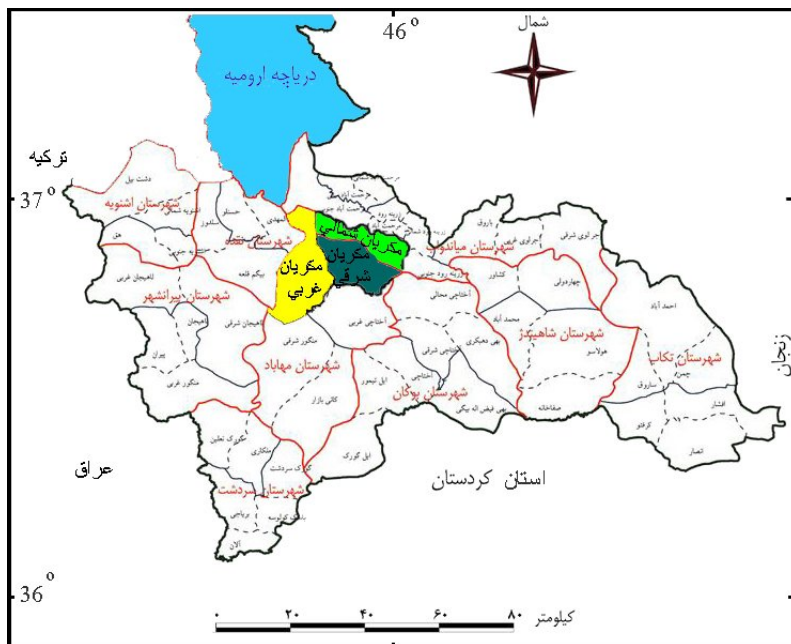
۴-۱- جایگاه کنونی موکریان:

منطقه مورد مطالعه (کردستان موکری) اکنون بر بخش‌هایی از شمال و شمال غرب استان کردستان و جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی منطبق است، که با عنوان کردستان شمالی خوانده می‌شود (محمودی، ۱۳۷۵، ۱۸)، (نقشه ۱). برخی کردستان شمالی را تنها برای بخش مرکزی و شمالی کردستان موکری به کار می‌برند (جمعی از دبیران جغرافیا، ۱۳۷۲).

تا پس از انقلاب در تقسیمات اداری منطقه واژه گورک موکری وجود داشت، ولی اکنون در تقسیمات سیاسی - اداری منطقه، آنچه از موکریان دیرین به صورت رسمی بر جای مانده و مرقوم است، تنها دهستان‌های مُکریان شرقی، مُکریان غربی و مُکریان شمالی است. مُکریان شرقی و مُکریان غربی به همراه آختاچی غربی، بخش مرکزی شهرستان مهاباد را تشکیل می‌دهند و دهستان مُکریان شمالی یکی از دهستان‌های بخش مرحمت آباد میاندوآب کنونی است (نقشه ۲).



نقشه ۱) کُردستان شمالی (موکریان)



نقشه ۲) دهستان‌های مُکریان شرقی، مُکریان غربی و مُکریان شمالی در تقسیمات اداری کنونی

۴-۲- جایگاه گذشته موکریان:

به هنگام بحث از جغرافیای تاریخی مکانی جغرافیایی (چون شهر یا ناحیه‌ای مشخص)، موقعیت جغرافیایی آن در دوره‌های مختلف تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است و بررسی سیر تحول واحدهای جغرافیایی در گذر زمان برای تبیین واقعیات جغرافیای تاریخی امری ضروری است.

گردستان موکری قدمت دیرینه دارد، تا آنجا که دیاکونوف (۱۳۴۵) نویسنده روسی در تاریخ ماد می‌نویسد: «واقعیت آن است که تاکنون دقیقاً مشخص نشده، انسان‌ها از چه زمانی به سرزمین ماد قدم نهاده‌اند و نمی‌دانیم از چه تاریخی موکریان-که بخشی از سرزمین ماد بوده- سکونتگاه آدمیان شد، اما دانش بشر تا آنجا پیش رفته که ثابت نموده، انسان‌ها از دوران سنگی قدیم که بدان پالئولیت می‌گویند در این ناحیه زیسته‌اند» (به نقل از روژیانی، ۱۳۸۱، ۳۲).

موکریان بخشی از سرزمین ماد کوچک بوده است. ویلیام جاکس عقیده دارد که: "زرتشت در جنوب دریاچه ارومیه (چی چست) به دنیا آمده و اینجا از آغاز تا به امروز موطن «موکریان» بوده است و از چنین موردی مورخان مادی بودن کردها و مخصوصاً موکریان را نتیجه می‌گیرند (تابانی، ۱۳۵۸، ۹۶-۹۵)".

نیکیتین (۱۳۷۸) معتقد است: "گردهای مکاری که افسانه‌های زیادی در باره این محل‌ها می‌دانند آنها را به عنوان شاهی بر این مدعا نقل می‌کند که خالصترین نژاد گرد هستند. با این حال، ایشان بی‌آن که خود بدانند دلایل معتبرتری دارند بر این که اصل و مبدأ آنها به مادها می‌رسد و این دلایل در زبانشان است که بنا به عقیده سوون بیش از همه لهجه‌های دیگر گردی به زبان اوستایی زرتشت نزدیکتر است (نیکیتین، ۱۳۷۸، ۳۵۹-۳۶۰)".

ماننا در ۸۰۰ سال پیش از میلاد در موکریان کنونی بوده است. ناحیه دولت «ماننا» در دشت‌های جنوب دریاچه ارومیه (موکریان کنونی) واقع بوده است (روژیانی، ۱۳۸۱، ۳۳).

۵- مواد و روش‌ها:

روش تحقیق در این مطالعه کتابخانه‌ای و دفتری با رویکردی جغرافیایی- تاریخی بوده است. اطلاعات مورد نیاز از کتاب‌ها و اسناد مکتوب گردآوری و طبقه‌بندی و نهایتاً تحلیل شده‌اند. به استناد مطالب موجود در منابع و مآخذ معتبر، تحدید حدود واحد جغرافیایی کردستان موکری بر روی نقشه‌های کنونی بازسازی و تغییرات وسعت جغرافیایی آن در طول چهار سده اخیر تبیین شده است.

از آن جهت که جغرافیای تاریخی به بیان وضعیت فضایی خاص در گذشته می‌پردازد و زمینه را برای انجام مطالعات تطبیقی با اعصار دیگر فراهم می‌آورد (شبلینگ، ۱۳۷۷، ۱۶۳)، لذا، برای مطالعه جغرافیای طبیعی و انسانی منطقه در طول دوره زمانی فوق، از منابع و مراجع معتبر استفاده شده و برای تحلیل نهایی، اوضاع طبیعی و انسانی زمان حال مورد توجه قرار گرفته است. لذا در بخش توپوگرافی و آبها بر اساس نقشه‌ها و رقومی سازی آنها مدل سه بعدی (DEM) در محیط نرم افزارهای GIS تولید شده و پس از آن تفسیر صورت گرفته است. در مبحث آب و هوا نیز از آمار و ارقام ایستگاه‌های هواشناسی سینوپتیک منطقه بهره‌گیری شده است. در نهایت، برخی خصوصیات جغرافیای انسانی کنونی نیز به اختصار بررسی شده‌اند.

۶- تجزیه و تحلیل:

موقعیت و فضای جغرافیایی از جمله عواملی هستند که در بررسی‌های تاریخی قابل توجه هستند (خیر اندیش و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۲). برخی از کتاب‌هایی که درباره جغرافیای تاریخی نوشته شده‌اند، براساس تقسیم بندی‌های ناحیه‌ای تنظیم شده‌اند (نهچجیری، ۱۳۷۰، ۱۰). لذا می‌توان با استناد به موارد فوق در جغرافیای تاریخی ناحیه موکریان مباحث جغرافیایی دوره‌های پیشین را بازسازی نمود و قبض و بسط سرزمین کردستان موکریان را تحلیل نمود:

۶-۱- تحلیل فرآیند قبض و بسط سرزمین گُردستان موکریان:

فرآیند قبض و بسط سرزمین، یکی از موضوعات مهم در جغرافیای سیاسی است که در بررسی‌های جغرافیای تاریخی ایران کمتر به آن پرداخته شده است. نگرش تاریخی صرف در بررسی حکومت‌های ایران و تحولات سیاسی-اجتماعی آن‌ها مانع توجه به این امر شده است (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲، ۷۵). بررسی حکومت‌ها و امرای منطقه‌ای و حیطه جغرافیایی سیطره آن‌ها و بررسی بسط و قبض سرزمین آن‌ها در جغرافیای تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اگر از تجربیات گذشته استفاده شود و تجربیات در حافظه تاریخی ماندگار شوند، این مبحث جغرافیای تاریخی، در حل معضلات جغرافیای کنونی مرتبط با موضوع، کاربرد پیدا می‌کند.

در بررسی الگوی حاکم بر فرآیند پیوستگی و گسستگی سرزمین ایران در دوره تاریخی (صفویه تا انقلاب اسلامی)، پنج سلسله صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی به ترتیب به قدرت رسیده‌اند.

فرآیند قبض و بسط سرزمین در ایران در چهار سده اخیر دارای پنج مرحله بوده است (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲):

الف- فروپاشی سلسله قدرتمند (شروع گسستگی)؛ ب- تشکیل حکومت‌های خودمختار و حاکمیت‌های منطقه‌ای و محلی (تشدید واگرایی و گسستگی). پ- ظهور یک شخص قدرتمند در عرصه سیاسی (آغاز همگرایی و پیوستگی سرزمین)؛ ت- سرکوب مدعیان و رقیبان منطقه‌ای و محلی (تقویت همگرایی و یکپارچگی)؛ ث- تثبیت حکومت و بسط سرزمین.

با صرف نظر کردن از حاکمیت موقت عثمانی‌ها بر موکریان و پذیرش اینکه گُردستان موکریان اغلب جزو سیستم ایران بوده و با عنایت به این مسأله که الگوی فوق و مراحل آن در بسط و قبض سرزمین این ناحیه نیز دخالت داشته است به تحلیل آن در مقیاس محلی و منطقه‌ای می‌پردازیم.

گسترش و قبض سرزمین در موکریان همواره وجود داشته، تفاوت حیطه‌های جغرافیایی آن را می‌توان نتیجه فروپاشی و قدرت‌گیری حاکمیت‌ها و گاه اعمال سلیقه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی سیستم‌های حاکم در چهار سده اخیر (از صفویه تا انقلاب اسلامی) محسوب کرد.

هرچند موکریان گاه صحنه درگیری بین دولت عثمانی و صفویه بوده و در طول چهار سده اخیر حکامی با گرایش‌های قومی و مذهبی متفاوتی داشته، ولی همواره به عنوان بخشی از سیستم ایران از جریان‌های فروپاشی و قدرت‌گیری حاکمیت‌ها تأثیر گرفته و بر بدنه سیستم نیز تأثیرگذار بوده است.

به منظور تحلیل منطقی بسط و قبض سرزمین موکریان، در قالب سرزمین ایران (و گاه در جایگاه جبهه کارزار و درگیری‌های ایران و عثمانی) و متأثر از آن در دو مرحله گسست سرزمینی بررسی می‌شود:

الف- شروع گسست سرزمینی پس از فروپاشی سلسله قدرتمند:

در چهار سده اخیر، فروپاشی سلسله امرای قره قویونلو و آق قویونلو (در آستانه ظهور صفویه) و در آغاز دوره افشاریه (همزمان با پایان عصر صفویه) در ایران، باعث ایجاد گسست سرزمینی شد. در پایان سلسله زندیه (آغاز قاجاریه) ابتدا کشور به چندین منطقه تحت حکومت اشخاص مختلف تقسیم شد.

واگرایی و گسست سرزمینی در پایان دوره قاجاریه (اواخر سلطنت احمد شاه قاجار) باعث ایجاد قیام‌های متعددی شد و مناطق خودمختاری ایجاد شدند (نقل به مضمون- حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲). در کردستان موکریان شورش سمکو و خواست استقلال طلبی وی کل منطقه را دربرگرفت (کوچیرا، ۱۳۷۳: ۶۴). پس از سقوط سلسله پهلوی (تا تثبیت حکومت اسلامی) نیز مناطق مرزی و پیرامونی ایران به صورت مناطق آشوب زده تبدیل شدند و نافرمانی‌های محلی و منطقه‌ای اوج گرفت. در کردستان و به ویژه در موکریان با هدف کسب استقلال و خودمختاری فعالیت‌های سیاسی- نظامی و تنش‌های منطقه‌ای

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۴۳

گسترش یافت (ایزدی، ۱۹۹۲). جریان‌های منطقه‌ای فوق در مقاطع زمانی و مکانی تمایل به گسست سرزمین را در منطقه رونق بخشید.

ب- تشدید گسست تجزیه سرزمین و تشکیل حکومت‌های خودمختار و حاکمیت‌های محلی و منطقه‌ای:

در دوره زمانی صفویه تا انقلاب اسلامی پس از فروپاشی سلسله‌ها، حکومت‌های خودمختار و حاکمیت‌های محلی و منطقه‌ای متعدد تشکیل شدند. در کردستان و به ویژه در موکریان پس از فروپاشی قره قویونلو و آق قویونلوها می‌توان به ظهور حاکمیت‌های امرای کرد تا اواسط قرن ۱۳ هجری اشاره کرد (ابریشمی، ۱۳۷۸، ۲۸). اوج گسترش قدرت امرای کرد، گاه منجر به خارج شدن بخشی از منطقه از تابعیت ایران می‌شد و بعضی اوقات موکریان به طور کامل در حیطه اختیار خوانین محلی اداره می‌شد. در اداره منطقه موکریان آمده: «منطقه‌های امیرنشین مگری و اردلان در کردستان ایران تا اواخر قرن نوزدهم به وسیله خوانین کرد اداره می‌شد» (صمدی، ۱۳۶۳، ۷).

سقوط و فروپاشی افشاریان نیز منجر به تشکیل حکومت‌های خودمختار محلی و منطقه‌ای شد. در کردستان و جنوب آذربایجان (موکریان)، آزادخان افغان در این دوره ظاهر شد. پس از فروپاشی سلسله زندیه نیز در کردستان تحت حکومت اعقاب قاردوچی قدیم حکومت منطقه‌ای ایجاد شد (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲).

قیام اسماعیل آقا سمکو در پایان دوره قاجاریه و آغاز دوره پهلوی به مدت چهارده سال بخش اعظم کردستان موکری و مناطق گردنشین غرب دریاچه ارومیه را در بر گرفت و منجر به واگرایی سرزمینی گردید.

در آغاز حکومت پهلوی دوم، تشدید گسست سرزمینی منجر به اعلام جمهوری کردستان در مرکز موکریان (مهاباد) توسط قاضی محمد در سال ۱۹۴۶ شد

(اگلتون، ۱۹۶۳)^۲. می‌توان این مساله را اوج واگرایی در موکریان دانست که از نظر زمانی حدود یک سال و از نظر مکانی بخش اعظم موکریان را شامل بود.

حوادث و جریان‌های سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۴۲ و حوادث سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۷ شمسی در موکریان و سرکوب قیام‌های محلی و منطقه‌ای علیه رژیم پهلوی بر ساختار منطقه و سیستم ایران تأثیرگذار بوده است. پس از فروپاشی سلسله پهلوی نیز موکریان کانون بحران‌های سیاسی- نظامی شد و شورش‌های محلی و منطقه‌ای به منظور نیل به خودمختاری با فعالیت احزاب سیاسی به اوج خود رسید.

پس از مراحل فوق، مرحله ظهور شخص قدرتمند در دوره‌های تاریخی مورد مطالعه، سرکوب مدعیان و رقیبان منطقه‌ای و محلی و تثبیت حکومت و یکپارچگی سرزمین را به دنبال داشته که انعکاس آن در مقیاس ملی و منطقه‌ای مشخص بوده است.

ایران جزو کشورهای قومی است و از ساختار قومی نا متوازنی برخوردار است. برای تداوم همگرایی سیاسی و یکپارچگی سرزمین باید قبل از استفاده از ابزار قدرت نظامی از راهکارهای سیاسی استفاده نمود. بهترین راه برای ایجاد وحدت ملی و تقویت حکومت، مشارکت دادن و استفاده از قابلیت‌های محلی و قومی در امور سطح ملی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. سیاست بعدی توزیع جغرافیایی قدرت توسط حکومت مرکزی در قالب الگوی یکسان و برابر است (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲).

۶-۲- سیر تحول زمانی بسط و قبض سرزمینی کُردستان موکریان:

اصطلاح کُردستان موکریان از دو بخش، کُردستان و موکریان (موکری) تشکیل شده است. نام کُردستان در کتیبه‌های آشوری «کاردا» و «نمری» ذکر شده است و گزنفون از مردمی که در کوه‌های زاگرس زندگی می‌کردند، به نام «کردوک» یا «کردوخی»

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۴۵

نام برده است. در نیمه دوم قرن ششم هجری سلطان سنجر سلجوقی قسمت غربی ایالت جبال را کُردستان نامیده است (نهچیری، ۱۳۷۰، ۲۹۸).

نام موکریان نیز از آغاز سده هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی) به طور وسیعی در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی آمده است (روژیانی، ۱۳۸۱، ۳۱)، ولی در خصوص سیر تحول زمانی بسط و قبض سرزمینی آن بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. البته می‌توان دلیل اختلاف نظرهای موجود در زمینه وسعت آن را به جریان‌های تاریخی و سیاسی مرتبط دانست. حکومت امرای موکریان در طول دوره‌های تاریخی تغییرات فراوان بسط و قبض سرزمینی داشته است (حوزنی، ۱۹۳۸).

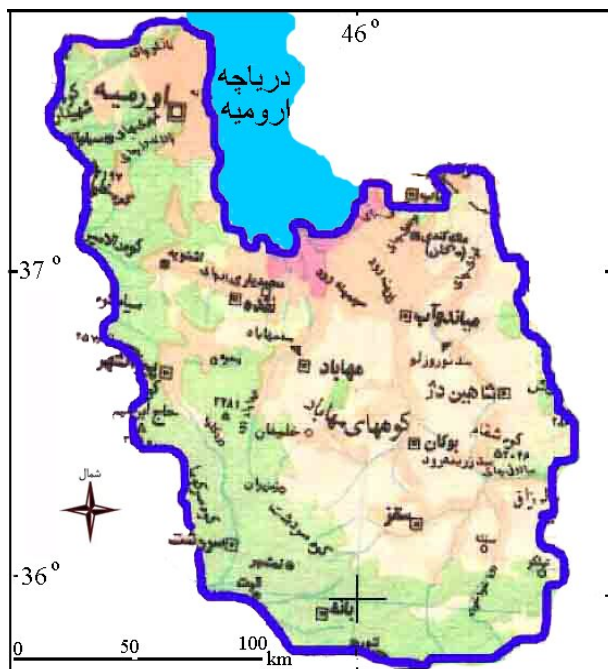
برای پرهیز از پیش داوری، به بررسی سیر تحول زمانی وسعت جغرافیایی موکریان در منابع جغرافیایی و تاریخی معتبر پرداخته شده است و مرزبندی‌های موجود در اسناد بر اساس زمان، بر روی نقشه‌های کنونی مشخص شده اند (بختیاری، ۱۳۸۰، ۴۷-۴۶):
حوزنی (۱۹۳۸) موکریان را سرزمین ماد کوچک (آتروپاتگان) دانسته که از چهار صد سال قبل از میلاد تا آغاز صفویه موقعیت آن بین دریاچه ارومیه، سنه (سندج)، گروس، زاب بزرگ، دیاله و ارتفاعات هورامان بوده است (نقشه ۳). موکریان از جنوب و جنوب غرب دریاچه ارومیه تا مرز کنونی عراق و در امتداد مرز تا هورامان گسترش دارد. در شرق موکریان مشتمل بر تیلکو و صائین قلعه است. مرز آن از جنوب مراغه به سمت جنوب شرق دریاچه ارومیه منتهی می‌شود (حوزنی، ۱۹۳۸، ۱۱).

موکریان همان سرزمین ماد کوچک (آتروپاتگان) ۴۰۰ سال قبل از میلاد است و اگر به نقشه‌های پیش از میلاد مسیح بنگریم، جایگاه شهر ساوجبلاغ (سابلاغ) در مرکز موکریان قرار دارد. در جنوب شرق سقز و در شرق موکریان صائین قلعه واقع است (حوزنی، ۱۹۳۸، ۱۲).



نقشه ۳- موکریان سرزمین ماد کوچک (آتروپاتگان) از ۴۰۰ سال قبل از میلاد تا آغاز صفویه - (حوزنی، ۱۹۳۸ و حوزنی ۱۳۸۲)،

ارزنده‌ترین منبع تاریخی که به موکریان و حیطة آن به عنوان ولایت مُکری اشاره می‌کند، شرفنامه بدلیسی (۱۳۶۴) است، که بیش از چهار سده پیش نگاشته شده است. در این کتاب آمده: «... امیر بیگ بن شیخ حیدر بعد از فوت عمش اطاعت شاه پهماسب نموده، ایالات ولایت مُکری از دیوان شاهی بدو مفوض گشت...» (بدلیسی، ۱۳۶۴، ۳۷۵). روژیانی (۱۳۸۱) محدوده موکریان از صفویه تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه قاجار را سرزمینی شامل: سلماس، ارومیه، اشنویه، لاجان، نقده، پیرانشهر، صائین قلعه، ساوجبلاغ، بوکان، میاندوآب، مراغه، سردشت، سقز، بانه و مناطق دیگری در این حدود می‌داند که امروزه بخش اعظم استان‌های آذربایجان غربی و کردستان ایران را تشکیل می‌دهند، (نقشه ۴) (روژیانی، ۱۳۸۱، ۳۱).



نقشه ۴- محدوده موکریان از صفویه تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه قاجار- (روژیانی، ۱۳۸۱)

دمورگان (۱۳۳۹) به همراه هیأت علمی فرانسوی در سال ۱۸۹۰ میلادی به کردستان موکریان آمده و حدود سه ماه در این منطقه به مطالعه جغرافیایی پرداخته است. وی در اواخر دوره حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار، در توصیف جغرافیای طبیعی منطقه موکریان، کوه‌های مکران را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: "کردستان مکران بنا بر این به طور طبیعی به دو دامنه مشخص و متمایز تقسیم می‌گردد: دامنه شمال شرقی که رودهای عمده آن جغتو و تتهواند و دامنه جنوب غربی یا حوضه علیای گلوه (دمورگان، ۱۳۳۹، ۳)." بین اشنو و آلان قلال عمده جملگی متجاوز از ۳۰۰۰ مترند (دمورگان، ۱۳۳۹، ۶۰)، (نقشه ۵).



نقشه ۵) جایگاه موکریان در اواخر دوره حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار (سال ۱۸۹۰) - (دمورگان، ۱۳۳۹)

دمورگان در مبحث جغرافیای انسانی در ذکر شهرها، دهات و ابنیه موکریان در اواخر دوره حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار می نویسد:

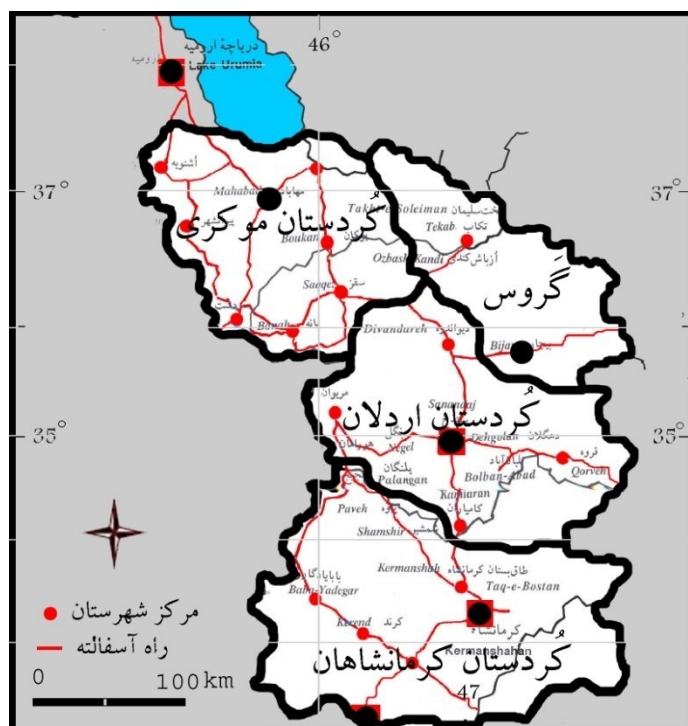
"مهمترین شهر مناطق واقع بین مرز عثمانی و رود جغتو بدون تردید ساوجبلاغ مرکز سیاسی و تجاری تمامی ناحیه است (دمورگان، ۱۳۳۹، ۴۲).

نیکیتین (۱۳۶۶) در مورد جایگاه موکریان و کردستان مکرری در ایران در اواسط دوره قاجاریه تا پایان پهلوی اول می نویسد:

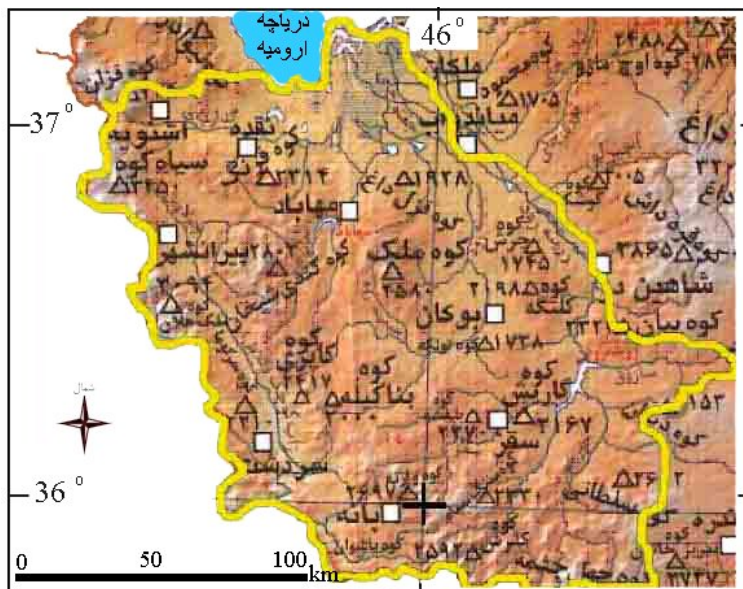
"در شرق زاگرس که حاشیه غربی فلات ایران است، کردستان ایران واقع شده است. جغرافیدانان امروزی ایران، این منطقه را به سه بخش تقسیم می کنند: کردستان مکرری و گروس، کردستان اردلان و کردستان کرمانشاهان" (نیکیتین، ۱۳۶۶، ۹۲) (نقشه ۶).

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۴۹

آنان بخش اول را کُردستان مُکری و گروس (یا بیجار) می‌نامند... ارتفاع بلندترین قله‌های این بخش به ۳۲۰۰ متر می‌رسد. کوه‌های مزبور بین شهرک اشنویه (شنو) و گردنه‌های آلان واقع شده‌اند. در قسمت شرقی‌تر به موازات آنها سلسله کوه‌های بردسیر و مُکری کشیده شده است که با دره رود جغتو از هم جدا می‌شوند (نقشه ۷). از رشته کوه اول رودخانه تاتاهو عبور می‌کند و قسمت دوم آن به نام کورتک موسوم است که تا ساوجبلاغ و جنوب دریاچه ارومیه پیش می‌رود (نیکیتین، ۱۳۶۶، ۹۲).

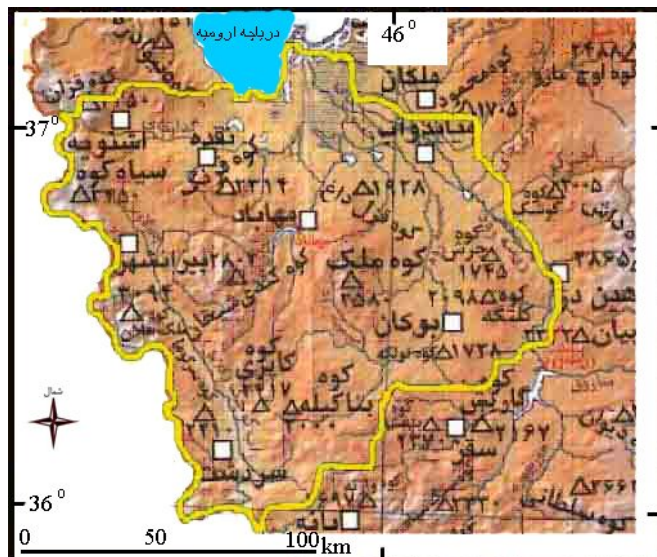


نقشه ۶) تقسیم‌بندی کُردستان ایران از دیدگاه جغرافیدانان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم - (نیکیتین، ۱۳۶۶)



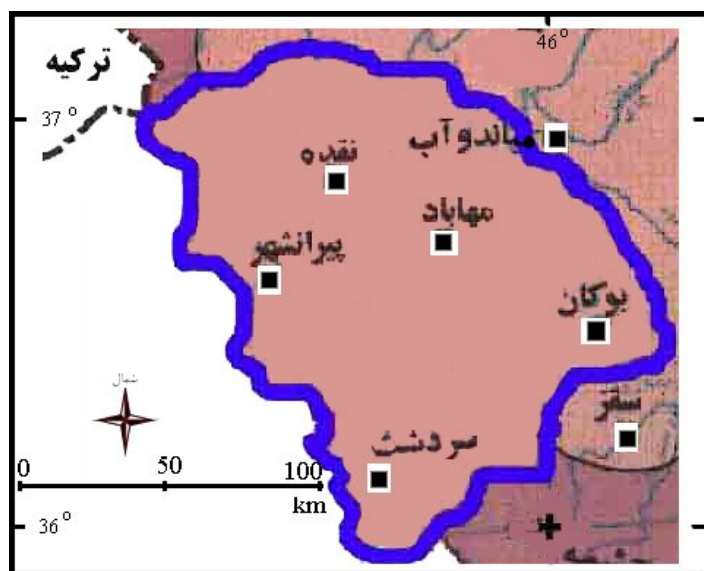
نقشه ۷) محدوده کُردستان مُکری در پایان عصر قاجار (نیکیتین، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۸)

افخمی (۱۳۷۳) در توضیح شهرهای موکریان به شهر ساوجبلاغ (مهاباد) می‌پردازد و می‌نویسد: در آغاز دوره پهلوی اول ساوجبلاغ مرکز نواحی کُردنشین بوده است و دهستان‌های متعدد و پرجمعیت مانند: شارویران، منگور، لاجان، گورک مُکری، آختاچی، بهی، ترجان و ایل تیمور تابع این شهرستان بوده است. همچنین بخش‌های سردشت، بوکان، میان‌دوآب، نقده و پیرانشهر در گذشته تابع مهاباد بوده‌اند و عشایر اطراف آن، فیض‌الله بیگی، دهبکری، منگور، مامش، پیران، گورک مُکری، سویسنی، ملکری و بریاجی می‌باشند (نقشه ۸) (افخمی، ۱۳۷۳، ۶).



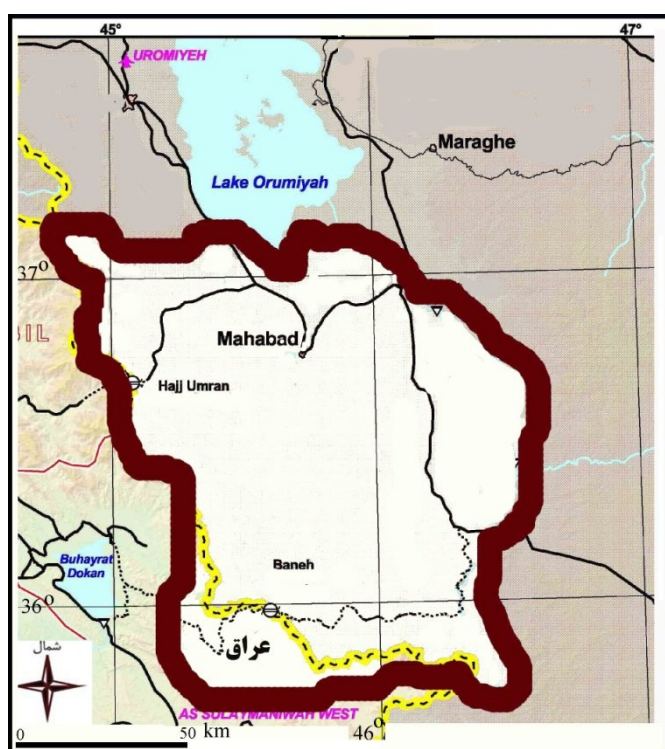
نقشه ۸) محدوده موکریان در آغاز دوره پهلوی اول - (افخمی، ۱۳۷۳)

صمدی (۱۳۶۳) مرکز موکریان را مهاباد (ساوجبلاغ مگری) می‌داند که توابع آن تا اوایل حکومت پهلوی دوم (سال ۱۳۲۲ ه. ش) شامل: بخش مرکزی مهاباد و بخش‌های بوکان، نقده، سردشت و خانه (پیرانشهر) بوده است (نقشه ۹) (صمدی، ۱۳۶۳، ۱۱).



نقشه ۹) توابع ساوجبلاغ مگری به عنوان مرکز موکریان تا سال ۱۳۲۲ ه. ش - اوایل حکومت پهلوی دوم (صمدی، ۱۳۶۳)

مردوخ در کتاب تاریخ گُرد و گُردستان و توابع می‌نویسد: موکریان محل سکونت مادها بوده و بازمانده مادها در موکریان منگور، مامش و پشدری هستند؛ هر چند طوایف مهاجر دیگری هم اکنون در موکریان وجود دارند (تابانی، ۱۳۵۸، ۹۶). مردوخ محدوده موکریان و عشایر نیمه کوچ نشین آن را در دوره پهلوی دوم جایگاه اسکان و یکجانشینی و منطقه ییلاق و قشلاق عشایر نیمه کوچ نشین فوق می‌داند (نقشه ۱۰).



نقشه ۱۰) محدوده موکریان و عشایر آن در دوره پهلوی دوم - از دیدگاه مردوخ

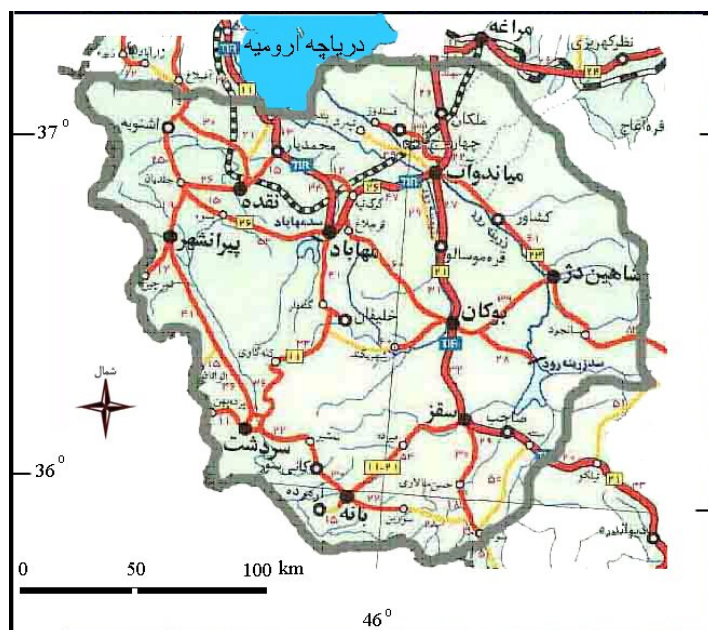
(به نقل از: تابانی، ۱۳۵۸)

تابانی (۱۳۵۸) محدوده گُردستان مُکری در دوره پهلوی دوم (سال ۱۳۴۵) را دست نشان می‌کند:

منظور از منطقه‌ای که به نام گُردستان مُکری از آن نام می‌بریم، از نقطه نظر طبیعی توده مرتفعی است که از شمال با اشنویه و دریاچه ارومیه و مراغه و از جنوب به گُردستان

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۵۳

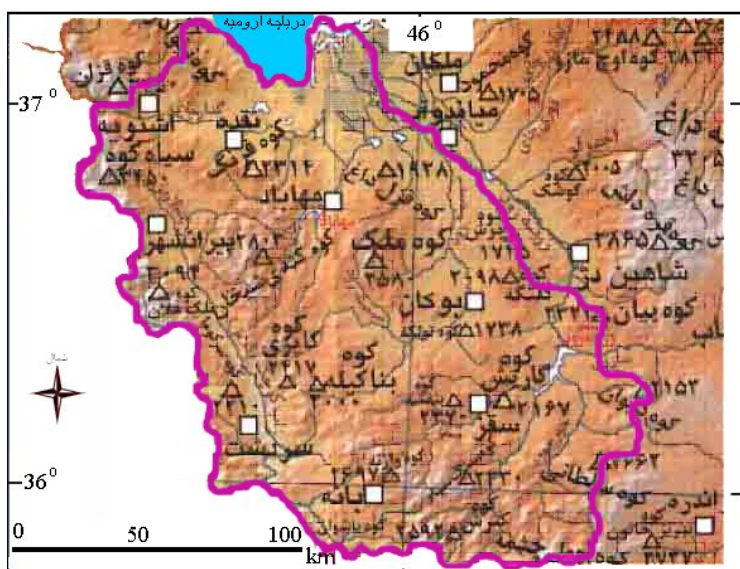
سنه (سندج) محدود است. این ناحیه از طرف غرب و شرق به ترتیب با عراق و تکاب هم مرز و همسایه است (نقشه ۱۱) که در مرزهای طبیعی مشخص به شرح زیر قرار گرفته است: در شمال دره رودخانه گادر و دریاچه ارومیه، در جنوب، شرق و جنوب شرقی دره رودخانه جغتو یا زرینه رود، و در مغرب قتل مرتفع مرزی قرار دارند (تابانی، ۱۳۵۸، ۱۶).



نقشه ۱۱) محدوده کردستان مکرری در دوره پهلوی دوم (سال ۱۳۴۵)، (تابانی، ۱۳۵۸)

خضری (۱۳۷۹) گسترش موکریان را پس از فروپاشی نظام پهلوی و پس از آن، چنین بیان می کند: موکریان از نظر طبیعی در دو حوضه آبریز دریاچه ارومیه و حوضه رودخانه زاب واقع است (نقشه ۱۲). از نظر اداری بخشی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی و بخشی از شهرستان‌های استان کردستان امروزی را شامل است (خضری الف، ۱۳۷۹: ۵).

موکریان شهرستان‌های سردشت، پیرانشهر و بانه (در حوضه آبریز رودخانه زاب) و شهرستان‌های مهاباد، نقده، اشنویه، بوکان و سقز (در حوضه آبریز دریاچه ارومیه) را در بر می گیرد (خضری الف، ۱۳۷۹، ۵).



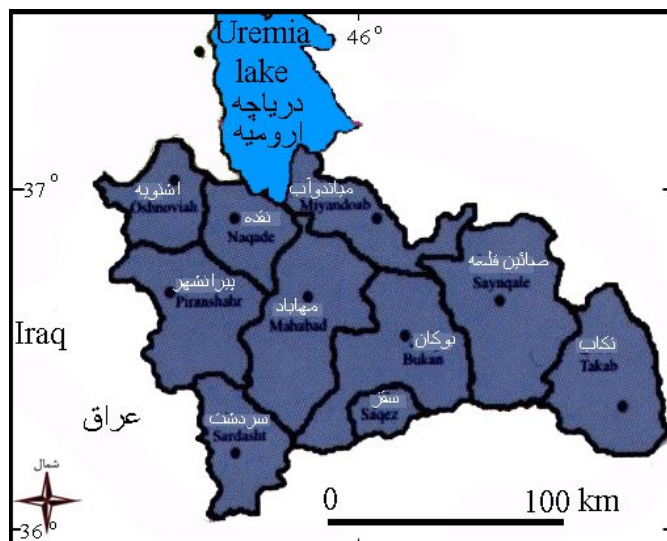
نقشه ۱۲) محدوده موکریان در پایان دوره پهلوی و پس از آن (خضری، الف ۱۳۷۹)

آنچه امروزه از موکریان به صورت رسمی برجای مانده، دهستان‌های مُکریان شرقی، مُکریان غربی و مُکریان شمالی است که جزو دهستان‌های مهاباد و میان‌دوآب هستند (نقشه، ۲).

(ایزدی، ۲۰۰۸) در تقسیمات ولایتی ملی گُردستان، جایگاه موکریان را جنوب و جنوب غرب دریاچه ارومیه می‌داند (نقشه ۱۳).



نقشه، ۱۳) محدوده موکریان در تقسیمات ولایتی ملی کُردستان (ایزدی، ۲۰۰۸).
 اخیراً نقشه موکریان از سوی انستیتوی کُرد در استکهلم توسط (چوکالی، ۲۰۰۷) ارائه گردیده که نقشه‌ای سیاسی-دموگرافیکی و دارای توضیحات اداری-سیاسی و جمعیتی درباره موکریان است. براساس نقشه اخیر مساحت مکریان ۱۷۹۴۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس آمارگیری رسمی ایران ۱۲۴۰۲۱۹ نفر است و شهرستان‌های اُشنویه، نَده، پیرانشهر، سردشت، مه‌آباد، بوکان، شاهین دژ (صائین قلعه)، تکاب، میاندوآب و بخش کوچکی از شمال سقز در حیطه موکریان قرار دارند (نقشه ۱۴).



نقشه ۱۴) نقشه موکریان ارائه شده از سوی انستیتوی کُرد در استکهلم (چوکالی، ۲۰۰۷).

۳-۶- جغرافیای طبیعی:

از آنجا که جغرافیای تاریخی بازنمود ریشه های مسائل مکانی و فضایی گذشته، برای تحلیل الگوها و فرآیندهای فعلی است (شکویی، ۱۳۷۸، ۱۵۱) و با توجه به ثبات نسبی ویژگی های جغرافیای طبیعی حداقل برای چند سده و فراهم شدن امکان مقایسه اطلاعات بررسی های انجام شده (در بطن منابع اشاره شده در متن) با وضعیت کنونی و صحت و سقم آنها، برخی ویژگی های جغرافیای طبیعی ارائه شده بررسی و مقایسه می شوند:

۱-۳-۶- توپوگرافی:

از طریق نقشه های توپوگرافی امکان تهیه مدل سه بعدی ارتفاع (DEM) در محیط GIS وجود دارد (قهرودی تالی، ۱۳۸۳). بر اساس مدل سه بعدی ارتفاعی تهیه شده منطقه، از لحاظ توپوگرافی در کُردستان موکریان حداقل در چهار سده اخیر دو دسته سرزمین قابل تفکیک، هموار و ناهموار وجود داشته اند که کوهستان و دشت (و جلگه ها) هستند.

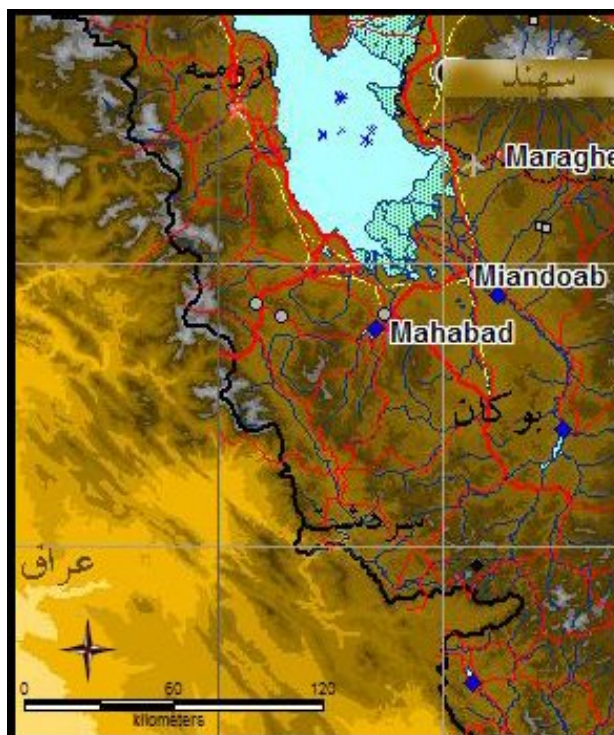
جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۵۷

رشته کوه‌های موکریان به طور کلی به دو دسته رشته غربی و سلسله جبال شرقی تقسیم می‌شوند که هر دو از نظر کشیدگی از جهت عمومی زاگرس تبعیت می‌کنند و جهت آنها شمال غرب- جنوب شرق است. مطالعات اخیر صحت نوشتار منابع جغرافیایی دمورگان (۱۳۳۹)، مینورسکی (۱۹۸۳)، نیکیتین (۱۳۶۶ و ۱۳۷۸)، حوزنی (۱۹۳۸) و اغلب محققان را در این زمینه نشان می‌دهد (نقشه ۱۵).

براساس بررسی‌های کنونی مرتفع‌ترین قله ارتفاعات غربی موکریان ۳۶۲۰ متر است که کیفارستان نام دارد و در غرب پیرانشهر واقع است و پست‌ترین نقطه در محل ورود رودخانه زاب به خاک عراق (در جوار روستای هرزنه) قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۵۰ متر است و پست‌ترین نقطه موکریان محسوب می‌شود. در هیچ کدام از منابع ارتفاع دقیق ثبت نشده و تنها به وجود ارتفاعات بیش از ۳۰۰۰ متر در بخش غربی موکریان اشاره شده است (دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶ و حوزنی ۱۹۳۸).

رشته شرقی ارتفاعات موکریان، دره رودخانه زاب را در بر گرفته و به موازات رشته غربی تا بخش علیای دره رودخانه جغتو (زیرینه رود) کشیده شده است و ارتفاعات و قله داخلی موکریان را در بر دارد (نقشه ۱۵).

سرزمین‌های هموار که شامل دشت‌ها و جلگه‌ها هستند، در منطقه گسترش دارند. مهمترین جلگه موکریان، جلگه مهاباد (سابلاغ) است که با شیب ملایم به دریاچه ارومیه منتهی می‌شود. در منابع بررسی شده به حاصلخیزی جلگه فوق اشاره شده است (حوزنی، ۱۹۳۸). دشت‌های موکریان نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: دشت‌های جوار رودخانه‌ها معمولاً پست بوده، وسعت بیشتری دارند، ولی دشت‌های محصور در کوهستان‌ها اغلب مرتفع بوده، وسعت چندانی ندارند. نتیجه این که صحت نسبی مطالب منابع فوق‌الذکر در زمینه مسائل توپوگرافی موکریان وجود دارد.



نقشه ۱۵) ناهمواری‌ها و شبکه آبها در گُردستان موکریان

۶-۳-۲- آب‌ها:

می‌توان برای روشن نمودن وضعیت و جهت شبکه آب‌ها به تهیه مدل هیدرولوژیکی سه بعدی پرداخت (مطیعی، ۱۳۸۲). با فرض ثبات نسبی شبکه‌های اصلی رودخانه‌ای در حریم بسترهای استثنایی در دره‌ها حداقل در چهار سده اخیر، براساس مدل جهت جریان، از لحاظ آب‌های سطحی و شبکه هیدروگرافی در گُردستان موکری دو حوضه مجزا وجود دارد: حوضه رودخانه زاب کوچک (کَلوه)، که آب بخش غربی گُردستان موکریان را جمع‌آوری نموده و از کشور خارج می‌کند و حوضه دریاچه ارومیه که حوضه‌ای داخلی بوده، آب کوهستان‌های شرقی موکریان را توسط رودخانه‌های زیرین رود، رودخانه مهاباد و رودخانه گادر جمع‌آوری می‌کنند و به دریاچه ارومیه می‌ریزند (نقشه ۱۵). در منابع به طور توصیفی خصوصیات رودخانه‌های فوق ذکر شده

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۵۹

است و مطالب اغلب منابع همخوانی نسبی با خصوصیات کنونی را در این زمینه نشان می‌دهند. علمی‌ترین منبع در این زمینه مطالعات هیأت علمی فرانسوی به سرپرستی دمورگان است (دمورگان، ۱۳۳۹).

۶-۳-۳- آب و هوا:

با پذیرش ثبات نسبی نوع اقلیم منطقه برای چند صد سال، از لحاظ آب و هوایی گُردستان موکریان دارای دو نوع آب و هوای کوهستانی سرد در ارتفاعات و کوهستانی معتدل در دره‌ها و سرزمین‌های هموار جوار رودخانه‌هاست. از لحاظ بارندگی دره زاب خصوصیت منحصر به فرد داشته و با بارش بیش از ۹۰۰ میلی‌متر بر اساس آمار ایستگاه‌های سینوپتیک هواشناسی منطقه، در سال نسبت به بخش داخلی موکریان با بارش متوسط ۵۰۰ میلی‌متر شرایطی ویژه و چشم‌اندازی متفاوت ایجاد نموده و پوشش جنگلی در آن گسترش یافته است. با توجه به اشارات منابع بررسی شده به گسترش جنگل‌ها تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری در بخش غربی موکریان و اشتغال مردم در این بخش به فعالیت باغداری و انجام کشت و زرع در بخش شرقی موکریان (دمورگان، ۱۳۳۹)، می‌توان خصوصیات کلی عناصر جوی منطقه را با زمان کنونی مشابه دانست و صحت اطلاعات اکثر منابع را درک کرد.

از لحاظ دما نیز گُردستان موکریان در ارتفاعات دارای نوسانات درجه حرارت زیادی بوده، در مناطق پست‌تر بر عکس نوسان دمایی کمتر است. متوسط دمای میانگین در اکثر ایستگاه‌های هواشناسی منطقه از ۱۱ تا ۱۳ درجه سانتیگراد نوسان دارد. گُردستان موکریان تحت تأثیر توده‌های مرطوب مدیترانه‌ای قرار دارد و دره زاب به عنوان مهم‌ترین سلول پُر باران کشور در موکریان قرار دارد. در این زمینه اشارات دمورگان (۱۳۳۹) بسیار دقیق به نظر می‌رسد؛ آن‌جا که می‌نویسد: در فصول سرد سال از ۱۵ دسامبر همه ساله، ارتباطات در کرتک مطلقاً قطع است. در این موقع، بخش‌های بانه و سردشت دیگر ارتباطی با

دیگر نقاط دنیا ندارند و این وضع نابهنجار در تمام مدت زمستان تا ماه مارس ادامه می‌یابد (دمورگان، ۱۳۳۹، ۱۶).

۶-۴- جغرافیای انسانی:

براساس منابع موجود، در دو سده پیش در موکریان زندگی به دو شیوه یکجانشینی و نیمه کوچ نشینی بوده و مهمترین مراکز یکجانشینی شهرهای ساوجبلاغ (مهاباد)، بوکان، سردشت، بانه، سقز و اشنویه بوده اند. بقیه جمعیت به صورت نیمه کوچ نشین در قالب ایل‌های مهم، همچون منگور، مامش، ملکری، بریاجی، آلان و ... بوده‌اند. برخی از عشایر کُرد در طول تاریخ نقش مهمی بازی کرده اند و هنوز هم از شهرت و اهمیت ویژه ای برخوردارند. در میان آنها می‌توان عشایر زیر را نام برد: در عراق بابان، هموند و هرکی‌ها و در ایران شکاک، مَکری، اردلان، جاف و کلهرها هستند (بلو، ۱۳۷۹، ۸-۹).

صفی نژاد (۱۳۶۷) در بحث جمعیت عشایری ایران از سال ۱۱۲۸ تا ۱۲۲۰ هجری قمری اشاره می‌کند: سپاهیان عشایری ایران در زمان شاه حسین صفوی (۱۱۲۸ قمری)، از طوایف مَکری و گروس ۵۰۰۰ سوار ایلاتی و ۲۰۰۰ ایل جاری یا پیاده و ۷۰۰۰ سوار و پیاده (عسکر ایلاتی) داشتند (صفی نژاد، ۱۳۶۷، ۸). سپاهیان عشایری ایران در زمان فتح علیشاه قاجار (۱۲۱۵ قمری) از طوایف شقاقی، گروس و مَکری ۴۰۰۰ نفر سوار داشتند (صفی نژاد، ۱۳۶۷: ۱۰).

سپاهیان عشایری ایران در عهد صفوی شامل ایلات ایرانی الاصل بود که با هیچ طایفه دیگری مخلوط نشده بودند که شامل: لر، فرقه کُردان (گروس، کلهر و مَکری)، کُرد خراسان، جلایر، قرای و جلایی‌ها بودند که مجموعاً هفت لک بوده و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند. سردار عشایر مَکری خسروخان مَکری بود و محل سکونت طایفه مَکری کُردستان مرکزی بوده است (صفی نژاد، ۱۳۶۷، ۱۵).

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۶۱

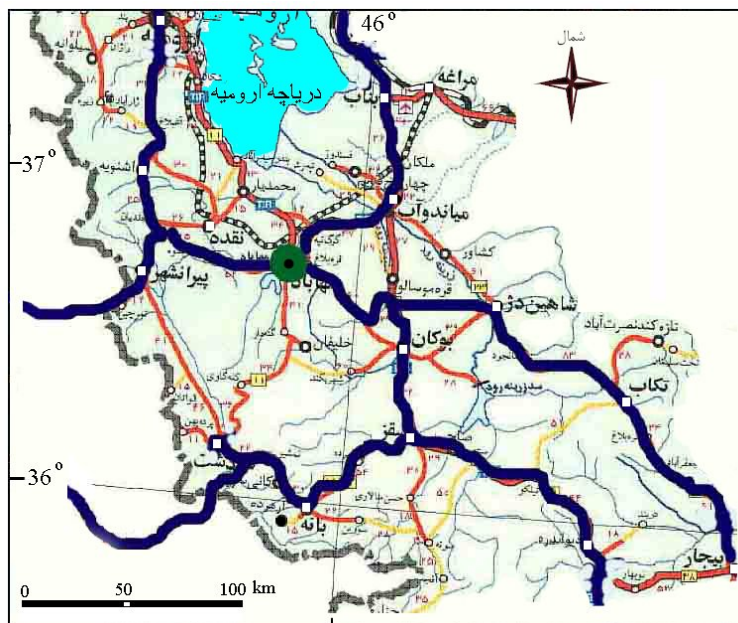
جمعیت عشایری کُرد در ۱۲۲۰ قمری (عهد فتح علیشاه قاجار) ۸۸ هزار نفر بود (صفی نژاد، ۱۳۶۷، ۲۹). در برآوردهای دیگر جمعیت ثابت کُرد ۱۱۹ هزار نفر و جمعیت عشایری ۱۰ هزار نفر ثبت شده است. در سال ۱۲۹۶ قمری از ۲۲۸ هزار نفر جمعیت کُردستان ۱۸ هزار نفر عشایر نیمه کوچ نشین و بقیه ثابت بوده‌اند (وقایع نگار کُردستانی، ۱۳۶۴).

با توجه به اشارات فوق در منابع، گسترش زندگی نیمه کوچ نشینی حداقل در بخشی از منطقه دیده می‌شود. پس از سیاست اسکان عشایر در دوره پهلوی، زندگی یکجانشینی در شهرها و روستاها گسترش یافت و شیوه زندگی عشایری بسیار محدود شد. اکنون بازمانده ایل‌ها و عشایر نیمه کوچ نشین در منطقه موکریان به وضوح دیده می‌شوند و زندگی نیمه کوچ نشینی به صورت بسیار محدود باقی مانده است.

از لحاظ جغرافیای اقتصادی اشتغال مردم از دیرباز کشت گندم و جو بوده است و در حد کمتری به زرع ذرت، کرچک، ماش و محصولات دیگر می‌پرداخته‌اند. بهره‌برداری از محصولات جنگلی همچون بلوط و باغات میوه نیز متداول بوده است (دمورگان، ۱۳۳۹). دامداری شغل اصلی ایل‌ها و عشایر نیمه کوچ نشین بوده و پرورش گوسفند، بز و دام‌های اهلی دیگر رواج داشته و پرورش اسب و استفاده از آن به عنوان وسیله حمل و نقل نیز اهمیت داشته است (حوزنی، ۱۹۳۸).

از نظر جغرافیای حمل و نقل مرکز موکریان (سابلاغ = ساوجبلاغ) با مناطق همجوار آذربایجان، گروس، سنه، سردشت، اربیل، اُشنویه، ارومیه و موصل راه ارتباطی داشته است (دمورگان، ۱۳۳۹)، (نقشه ۱۶).

اکنون در کُردستان موکریان راه‌های فوق به صورت آسفالتی و شنی ارتباط بین شهرها و مراکز جمعیتی را برقرار می‌کنند، ولی بزرگراه، راه آهن و فرودگاه در این منطقه وجود ندارد.



نقشه ۱۶) مهمترین راههای ارتباطی مرکز موکریان (ساوجبلاغ) با مناطق هم جوار در ۱۸۹۰ (دمورگان، ۱۳۳۹)

۷- نتیجه گیری:

نظرات در مورد وجه تسمیه موکریان متفاوت است. ولی نظر مستند اینکه «موکری» در اصل «مُغری» یا «مُغ راه» بوده و موکریان نیز «مُغ ریان = راه مُغان = راه مُغها» بوده و سپس به مُقربان و موکریان تغییر یافته است.

موکریان سرزمینی کوهستانی است و دارای ناهمواریها و دشت و جلگه‌های محدود است. آب و هوای آن کوهستانی سرد (در ارتفاعات) و کوهستانی معتدل (در مناطق پست) است و آب‌های سطحی بخش غربی توسط رود زاب (کلوه) از منطقه خارج شده و رودخانه‌های زیرینه رود، سیمینه رود، گادز و مهاباد آب بخش کوهستان شرقی را به دریاچه ارومیه وارد می‌کنند.

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۶۳

بر اساس مطالعات جغرافیای تاریخی محدوده موکریان در شمال، ارتفاعات اشنویه و جنوب دریاچه ارومیه بوده و محدوده غربی آن کوه‌های مرزی ایران و عراق (کنونی) بوده است. ساوجبلاغ مکرری (مهاباد کنونی) همواره مرکز موکریان بوده و شهرهای ساوجبلاغ مکرری، بوکان، سردشت و اشنویه همواره جزو موکریان بوده‌اند. ایلم‌های منگور، مامش، ملکری، آلان و ... در موکریان زندگی نیمه کوچ نشینی داشته‌اند.

براساس بررسی منابع اسنادی مکتوب وسعت موکریان در دوره‌های مختلف (چهار سده اخیر) متفاوت بوده و محدوده و حیطه جغرافیایی آن دستخوش تحول بوده است. گسترش (بسط) و قبض سرزمین موکریان در دوره تاریخی (صفویه تا انقلاب اسلامی) تابعی از قدرتمندی و ضعف سیستم حاکمیت مرکزی و محلی بوده و به تبع فروپاشی سلسله‌های قدرتمند گسستگی سرزمینی ایجاد شده و تشکیل حکومت‌های محلی و منطقه‌ای خودمختار و نیمه مستقل آغاز شده است. در مراحل بعدی با گسترش حاکمیت قوی و مقتدر گسست سرزمینی روند کاهشی داشته است.

مستشرقان و جغرافیدانان از اوایل قرن نوزدهم میلادی به این منطقه آمده‌اند. مطالعات اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مستشرقان فوق از دیدگاه جغرافیایی در خصوص موکریان و سیر تحول آن از ارزش والایی برخوردار است.

به استناد منابع شغل مردم در چهار سده اخیر زراعت و دامداری بوده است. مردم موکریان از دیرباز به صورت یکجانشین و نیمه کوچ نشین در منطقه زیسته‌اند، ولی اکنون اغلب زندگی به صورت یکجانشینی است.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابریشمی، عبدالله (۱۳۷۸)؛ مسئله کُرد در خاورمیانه، انتشارات توکلی، تهران.
- ۲- افخمی، ابراهیم (۱۳۷۳)؛ تاریخ فرهنگ و ادب مُکریان، ج دوم، انتشارات محمدی، سقز.
- ۳- بارتولد، و. (۱۳۵۸)؛ جُغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور (طالب زاده)، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران.
- ۴- بختیاری، سعید (۱۳۸۰)؛ اطلس راههای ایران، موسسه گیتاشناسی، تهران.
- ۵- بدلیسی، شرفخان (۱۳۶۴)؛ شرفنامه، به کوشش محمد محمدلویی عباسی، انتشارات علمی، تهران.
- ۶- بلو، ژویس (۱۳۷۹)؛ مساله کُرد (بررسی تاریخی و جامعه شناسی)، ترجمه پرویز امینی، انتشارات دانشگاه کُردستان، ۱۰۷ صفحه، سنندج.
- ۷- بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۸)؛ مقدمه ای بر جُغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۸- تابانی، حبیب‌الله (۱۳۵۸)؛ کُردستان «در نمونه کُردستان مُکری»، چاپ دوم، انتشارات سیدیان، مهاباد.
- ۹- جمعی از دبیران جُغرافیا (۱۳۷۲)؛ جُغرافیای استان آذربایجان غربی، نشر ایران، تهران.
- ۱۰- حافظ نیا، محمد رضا و ورزقانی، هادی (۱۳۸۲)؛ الگوی حاکم بر فرآیند پیوستگی و گسستگی سرزمینی در ایران، مجله پژوهش‌های جُغرافیایی، شماره ۴۵، دانشگاه تهران، صص ۷۵-۹۰، تهران.
- ۱۱- حُزنی، حسین (۱۳۸۲)؛ کُردستان مُکریان یا آتروپاتین، ترجمه حسن داودی، ناشر مترجم، سنندج.
- ۱۲- حوزنی، حسین (۱۹۳۸)؛ کوردستانی موکریان یا ناتروپاتین (از ابتدای تاریخ تا سیف‌الدین موکری)، ج اول، به زبان کُردی، نشر زاری کرمانجی، عراق، رواندز.
- ۱۳- خضری، سعید (الف) (۱۳۷۹)؛ جُغرافیای طبیعی کُردستان موکریان، انتشارات ناقوس، تهران.
- ۱۴- _____ (ب) (۱۳۷۹)؛ «هویت تاریخی و جُغرافیایی کُردستان موکریان»، دوهفته نامه زریبار، شماره ۱۴، مریوان.
- ۱۵- _____ (ج) (۱۳۷۹)؛ برخورد عقاید بر سر جُغرافیای کُردستان موکریان، هفته نامه آیدر، شماره ۶۹، سنندج.
- ۱۶- _____ (د) (۱۳۷۹)؛ نقد یا غوغا سالاری، هفته نامه سیروان، شماره ۲۵، سنندج.
- ۱۷- خیراندیش، رسول و دیگران (۱۳۷۸)؛ تاریخ شناسی، چاپ پنجم، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.
- ۱۸- دمورگان، ژاک (۱۳۳۹)؛ جُغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، ج دوم، چاپخانه شفق تبریز، تبریز.
- ۱۹- دیاکونوف، م.م. (۱۳۴۵)؛ تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
- ۲۰- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵)؛ جُغرافیای تاریخی ساوه، مجله پژوهش‌های جُغرافیایی، شماره ۵۶، صص ۱۷-۳۲، دانشگاه تهران، تهران.
- ۲۱- روژیانی، محمد جمیل (۱۳۸۱)؛ فرمانروایی مُکریان در کُردستان، ترجمه شهباز محسنی، نشر آنا، تهران.
- ۲۲- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۱)؛ شهرنشینی و شهرسازی در ایران، منشأ و روند و وضع کنونی، مجموعه مقالات جُغرافیایی (جشن نامه دکتر محمد حسن گنجی)، به کوشش ایرانپور جزنی، انتشارات گیتاشناسی، تهران، صص ۱۳۵-۱۶۴، تهران.
- ۲۳- سازمان جُغرافیایی کشور (۱۳۷۰-۱۳۷۶)؛ نقشه های توپوگرافی ۱/۵۰۰۰۰ منطقه، تهران.
- ۲۴- سازمان هواشناسی کشور (۱۳۸۵)؛ سالنامه های آمار هواشناسی ۳۰ ساله منطقه، تهران.
- ۲۵- شکویی، حسین (الف) (۱۳۶۴)؛ فلسفه جُغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، تهران.

جغرافیای تاریخی موکریان در چهار سده اخیر ۱۶۵

- ۲۶- _____ . (ب ۱۳۶۴)؛ جغرافیای کاربردی و مکتب های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۲۰۸ صفحه، مشهد.
- ۲۷- شکوهی، حسین(۱۳۷۸)؛ اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات گیتا شناسی، تهران.
- ۲۸- شبلینگ، ژاک(۱۳۷۷)؛ جغرافیا چیست، اقتباس سیروس سهامی، انتشارات محقق، مشهد.
- ۲۹- صفی نژاد، جواد(۱۳۶۷)؛ جمعیت عشایری ایران، مجموعه مقالات جغرافی، شماره ۴، به کوشش حسین پاپلی یزدی، انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۵-۵۶، مشهد.
- ۳۰- صمدی، سید محمد(۱۳۶۳)؛ تاریخچه مهاباد، ناشر مؤلف، مهاباد.
- ۳۱- قهرودی تالی، منیژه(۱۳۸۳)؛ کاربرد Arc view در ژئومورفولوژی، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، تهران.
- ۳۲- کسروی، احمد(۱۳۷۸)؛ تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان، چاپخانه سپهر، تهران.
- ۳۳- کوچیرا، کریس(۱۳۷۳)؛ جنبش ملی کُرد، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه، تهران.
- ۳۴- محمودی، فرج الله(۱۳۷۵)؛ جغرافیای ایران، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی، نشر ایران، تهران.
- ۳۵- مطیعی، همایون(۱۳۸۲)؛ آشنایی با آرک ویوو و برنامه های جانبی، انتشارات صنعت آب و برق، تهران.
- ۳۶- میر میران، مجتبی و کهنسال، حسن(۱۳۸۵)؛ «مروری بر جغرافیای تاریخی گیلان(قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۶، صص ۱۹۷-۲۱۲، مشهد.
- ۳۷- میر حیدر، دره(۱۳۵۷)؛ اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۳۸- مینورسکی، ولادیمیر(۱۹۸۳)؛ کُرد، ترجمه مارف خزانه دار، انتشارات دانشگاه صلاح الدین، به زبان کُردی، عراق، اربیل.
- ۳۹- _____ (۱۹۵۷)؛ مکان های جغرافیایی مغولی در کُردستان موکریان، شماره اول، مرکز شرق شناسی و تحقیقات آفریقایی
- ۴۰- نهچیری، عبدالحسین(۱۳۷۰)؛ جغرافیای تاریخی شهرها، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۴۴۰ صفحه، تهران.
- ۴۱- نیکیتین، و اسیلی(۱۳۶۶)؛ کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، انتشارات نیلوفر، تهران.
- ۴۲- _____(۱۳۷۸)؛ کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، چاپ سوم، انتشارات درایت، تهران.
- ۴۳- وقایع نگار کُردستانی، علی اکبر(۱۳۶۴)؛ حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کُردستان، به تصحیح محمد رئوف توکلی، انتشارات وزیری، ۳۴۴ صفحه، تهران.

44- Eagleton JR, William, (1963), **The Kudish Republic of 1946** , Oxford University Press, London.

45- Izady.M.R, **Papers about Kurdistan boundaries & political geography ,internal subdivisions, land, environment , geology, terrain, and distribution of Kurds**, (2008) , kurdistanica.com .

46- Izady.M.R, (1992), **The Kurds**, A concise handbook,Dep. of near easter languages and civilization Harvard university,USA.

47-Chookali, S. (2007), **Political& demographical map of Mokryan of Kurdistan**, Kurdiska Institutet, Stockholm, Sweden

